

جایگاه بی‌نشان و نشان‌دار سازه‌های غیر اصلی در زبان فارسی: رویکردی نقش‌گرا^۱

فاطمه سید ابراهیمی (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران)

چکیده: هدف از نگارش مقاله پیش رو بررسی جایگاه بندهای موصولی و نیت و همچنین گروه‌های حرف اضافه نیت و وسیله در جملات زبان فارسی است. این عناصر از عناصر غیراصولی یک بند هستند. از آنجا که در زبان‌ها، موضوع‌های فعل با توجه به نوع فعل مشخص می‌شوند و با توجه به ظرفیت فعل تعداد موضوع‌های اصلی فعل مشخص می‌گردد چنانچه سازه‌ای غیر از موضوع‌های اصلی فعل در بند واقع شود، آن سازه، سازه غیراصولی برای فعل محسوب می‌گردد. در این پژوهش با دیدی نقش‌گرایانه به مطالعه زبان، دلایل حرکت یا عدم حرکت این عناصر غیراصولی بند توصیف و بیان می‌گردد. بنابراین علاوه بر مطالعه دستور جمله، چگونگی سازمان‌بندی و بسته‌بندی اطلاع کهنه و نو به‌عنوان دلیلی برای شکل گرفتن جملات زبانی نیز مطالعه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ترتیب نشان‌دار سازه‌ها، ترتیب بی‌نشان سازه‌ها، پس‌آیندشدگی، پیش‌آیندشدگی، ساخت اطلاع.

۱. این مقاله برگرفته از رساله نگارنده به راهنمایی دکتر دبیرمقدم است.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا زبان را نظامی برای ایجاد ارتباط می‌داند (دبیرمقدم ۱۳۸۳: ۹). این رویکرد به چگونگی شکل گرفتن جملات زبانی بر پایه دانش و اهداف کاربران زبان می‌پردازد. در این رویکرد، اصلی‌ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و از این رو به نقش ارتباطی، کاربرد شناختی و کلامی / گفتمانی به‌عنوان بخش‌های لاینفک دانش زبانی تأکید می‌ورزد (همان: ۴۱). عمده‌ترین تفاوت میان گونه‌های مختلف نقش‌گرایی میزان اصل و مبنا بودن «نقش» نسبت به «صورت» است. نقش‌گرایی مورد حمایت فولی و ون ولین به دستور «نقش و ارجاع» معروف است که در آن تعامل عوامل «نقش» (معنایی) و «ارجاع» (کاربردشناختی) در شکل‌دهی ساخت دستوری و صوری جمله‌ها مورد نظر است. لمبرکت (۱۹۹۴) ساخت اطلاع را بخش جدایی‌ناپذیر اما مستقل دستور می‌داند. او ساخت اطلاع را در گروه عوامل دستوری قرار می‌دهد تا بتواند پاسخی پیدا کند برای این پرسش که چرا برای بیان یک جمله واحد می‌توان از چندین ساخت مختلف دستوری استفاده کرد. وی بافت غیرزبانی حاکم بر گفتمان، میزان اطلاعات شنونده و نیز اطلاعات مشترک بین گوینده و شنونده را از عوامل تعیین‌کننده نوع ساخت دستوری گوینده می‌شناسد. بنابراین لمبرکت تحلیل‌های زبان‌شناختی را نه به دیدگاه‌های صوری مطلق منحصر می‌کند و نه به مطالعات معناشناختی و کاربردشناختی صرف منحصر می‌سازد، بلکه تعاملی از آن دو را برای تبیین مسائل کارآمد می‌داند. او بر این باور است که ساخت اطلاع به چگونگی صورت‌بندی اطلاع در زبان می‌پردازد و این ساخت را بخشی از دستور جمله می‌داند که بدون توجه به آن، گوینده نمی‌تواند از بین انتخاب‌های مختلف برای بیان یک جمله یکی را برگزیند. او ساخت اطلاع را بخشی از کاربردشناسی کلامی / گفتمانی می‌داند که به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که چرا یک معنای واحد را می‌توان با چندین ساخت صوری مختلف نشان داد (لمبرکت ۱۹۹۴: ۶).

نویسنده در این مقاله که رویکردی نقش‌گرایانه به زبان دارد می‌کوشد پاسخی پیدا کند برای این که چرا یک گروه یا بند از جایگاه متعارف و بی‌نشان خود به جایگاه دیگری حرکت

می‌کند و چه عواملی در این حرکت دخیل است.

جان رابرتز (ROBERTS 2009) نیز به این مبحث توجه کرده است. او یکی از اهداف کتابش را با عنوان مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی در این می‌داند که آیا می‌توان میان ساخت‌های گفتمانی و ساخت جمله به شیوه‌ای منسجم پیوند برقرار کرد. وی برای رسیدن به این هدف در وهله اول خود را نیازمند نظریه‌ای نحوی می‌داند که به‌عنوان بخشی از سازمان‌بندی بنیادی‌اش با ساخت گفتمانی پیوند می‌یابد (دبیرمقدم ۱۳۹۰: ۲۲۴).

۲. بیان مسئله

جان رابرتز در کتاب پیش‌گفته، در پی یافتن عواملی است که بر ترتیب سازه‌ها در بندهای فارسی اثر می‌گذارند. او ترتیب خنثای سازه‌ها را که ماهوتیان (MAHOOTIAN 1997) به دست داده (فاعل - افزوده زمانی - مفعول صریح - مبدأ - افزوده مکانی - بهره‌ور/ مقصد - افزوده وسیله‌ای - فعل) مستلزم بازنگری می‌داند. بنابراین در فصل سوم کتابش ابتدا ترتیب عناصر غیراصولی^۱ و سپس ترتیب موضوع‌های اصلی^۲ را بررسی کرده است (دبیرمقدم ۱۳۹۰: ۲۲۴).

او از میان سازه‌های غیراصولی، از «بند نیت» سخن گفته که در متون نوشتاری به‌طور یکسان می‌تواند در جایگاه پسا فعلی یا پیش‌فعلی ظاهر شود. درباره بند نیت به‌کاررفته در تحلیل‌های رابرتز، دبیرمقدم (۱۳۹۰: ۲۵۵) گفته است که مفهوم رابرتز از بند نیت نیاز به بازنگری دارد. به اعتقاد دبیرمقدم اساساً هرگاه بتوان در ابتدای سازه‌ای حرف اضافه «برای، به قصد» یا «تا» آورد آنگاه می‌توان معنای نیت از آن تعبیر کرد که این معنا از همه مثال‌های رابرتز که برای تحلیل بند نیت آورده استنباط نمی‌شود.

از دیگر نمونه‌های پس‌اندشده مورد بحث رابرتز، بند موصولی پس‌اندشده است. ماهوتیان معتقد است که گروه‌های صفتی سنگین (بندهای موصولی) را می‌توان به اختیار به پایان جمله پس‌اند کرد، اما رابرتز سنگین بودن را دلیلی برای پس‌اندشده‌گی در مورد گروه‌های صفتی نمی‌داند. او بندهای موصولی را به دو دسته توضیحی و توصیفی تقسیم

1. Order of non-core elements

2. Order of core arguments

می‌کند و توصیفی یا توضیحی بودن بند را دلیلی بر پسایندشدگی می‌داند؛ بدین صورت که بندهای موصولی توضیحی پسایند می‌شوند درحالی‌که بندهای موصولی توصیفی پسایند نمی‌شوند. او در مثال

۱. پیرمردی بود که سه تا پسر داشت.

بند موصولی را تنها شامل دو سازه مفعول و فعل می‌داند و بنابراین بند، سنگین نیست اما پسایندشده است. رابرتز دلیل پسایندشدگی را در توضیحی بودن این بند می‌داند زیرا این بند توصیفی نیست و «پیرمرد» را توصیف نمی‌کند بلکه سه پسرش را به متن معرفی می‌کند. در اینجا بند موصولی پسایند شده است تا طرز بیان ارائه‌ای را شکل دهد. در جمله‌هایی که طرز بیان ارائه‌ای دارند بسیار معمول است که موجودیت/ هستاری که قرار است ارائه شود (یعنی سازه کانونی) در پایان جمله جای داده شود. بدین ترتیب بند موصولی پسایندشده در اینجا نقش معرفی اطلاع‌نورا به متن بر عهده دارد. اما در مثال

۲. بالاخره گنجشکی را که به فاصله سیصد متری روی سیم برق خیابان نشسته بود پیدا کردم.

با وجود سنگین بودن بند موصولی، عدم پسایندشدگی آن به دلیل توصیفی بودن آن است. در انتهای این بخش رابرتز علت پسایند شدن تمام مثال‌های بند موصولی پیکره مورد مطالعه را به دلیل برجسته کردن اطلاع موجود در بند موصولی و نه به سبب وزن سازه‌ای بند موصولی می‌داند (دبیرمقدم ۱۳۹۰: ۲۶۰).

از دیگر مواردی که در مورد جایگاه آنها بحث شده است گروه حرف اضافه وسیله است. رابرتز معتقد است از بین همه گروه‌های حرف اضافه موجود در پیکره، تنها یک مورد از آنها با ترتیب پیش فرض ماهوتیان منطبق بود و در دیگر موارد گروه حرف اضافه‌ای وسیله، قبل از مفعول صریح معرفه به کار رفته است.

بنابراین با توجه به دیدگاه‌های مختلف درباره جایگاه این عناصر و علل حرکت آنها، این پژوهش به این موضوع پرداخته است. از بین متون نوشتاری داستانی ده داستان انتخاب شده است و از هر داستان، دوهزار کلمه ابتدایی آن پیکره داده‌ها را تشکیل داده است. سعی شده

در انتخاب داستان‌ها به عواملی از جمله سبک نویسنده، جنسیت نویسنده و سن مخاطب توجه شود تا بر دقت کار افزوده گردد.

۳. تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که گفته شد الگوی ترتیب بی‌نشان سازه‌ها در جمله‌های زبان فارسی برگرفته از ماهوتیان (1997: 50-1) است. پیکره داده‌ها را داستان‌های زیر تشکیل داده است:

نام داستان	تعداد بند ^۱
۱. کلیدر (محمود دولت‌آبادی)	۲۴۹
۲. شما که غریبه نیستید (هوشنگ مرادی کرمانی)	۳۴۲
۳. سووشون (سیمین دانشور)	۲۵۲
۴. سمنوپزان (جلال آل احمد)	۲۲۵
۵. چراغها را من خاموش می‌کنم (زویا پیرزاد)	۳۰۷
۶. شیر پرهیزگار (مهدی آذر یزدی)	۲۶۶
۷. بوف کور (صادق هدایت)	۲۰۷
۸. چهار داستان جشن آتش، تهمورث دیوبند، جمشیدشاه، ضحاک ماردوش (مروارید تقی بیگ)	۲۲۱
۹. باد، باد مهرگان (نادر ابراهیمی)	۳۵۹
۱۰. کباب غاز (محمدعلی جمالزاده)	۲۳۴
تعداد کل بندها	۲۶۶۲

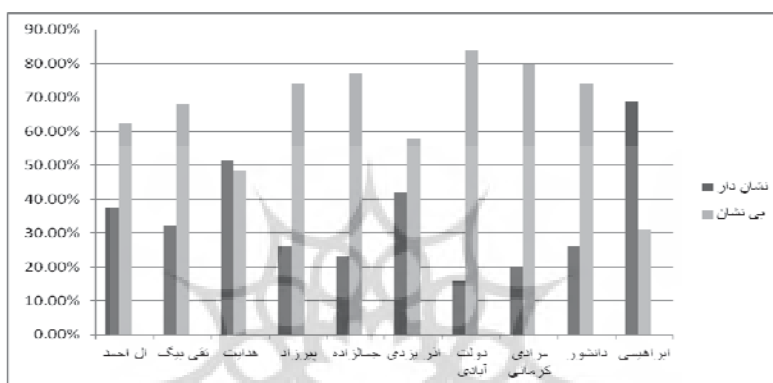
جدول ۱: داستان‌های منتخب در پژوهش

۱-۳ بندهای موصولی

بندهای موصولی که در واقع وابسته‌های پسین گروه‌های اسمی‌اند و آنها را توصیف می‌کنند می‌توانند از جایگاه اصلی خود حرکت کنند و به جایگاه پس از فعل انتقال یابند. در داده‌های

۱. در هر داستان، دوهزار واژه ابتدایی آن تحلیل شده است، بنابراین تعداد بندهای مورد تحلیل یکسان نیست.

پژوهش حاضر حدود ۶۶ درصد از بندهای موصولی در جایگاه اصلی خود واقع شده‌اند و حدود ۳۴ درصد از آنها پسایند شده‌اند. در نمودار زیر میزان بندهای موصولی حرکت داده‌نشده (بی‌نشان) و پسایندشده (نشان‌دار) در هر داستان به صورت مجزا نشان داده شده است:



نمودار ۱: بسامد وقوع بندهای موصولی بی‌نشان و نشان‌دار در هر داستان

در اکثر جملات زبان فارسی فعل عنصر پایانی است. چنانچه عنصری غیر از فعل در این جایگاه واقع شود، این حرکت را پسایندسازی می‌گویند (Ward & Birner 1996) و ساخت نشان‌دار را شکل می‌دهد. از آنجا که این فرایند یا رخ ندادن آن، جمله را ناستوری نمی‌کند نمی‌توان برای تبیین آن به دنبال عوامل صرفاً نحوی بود بلکه چرایی پسایندسازی را باید در عوامل کلامی جست‌وجو کرد (راسخ مهند، ۱۳۸۸). بنابراین در ادامه به دلایل حرکت بند موصولی از جایگاه اصلی خود می‌پردازم:

الف) یکی از دلایل حرکت به اعتقاد غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴: ۱۸۸) همانندی فعل بند موصولی با فعل جمله اصلی است که چنانچه این دو فعل پشت سر هم واقع شوند بند موصولی به اجبار پسایند می‌شود. نمونه‌های زیر مواردی از این نوع حرکت را نشان می‌دهد:

۳. به هر حال عمویم پیرمردی بود قوز کرده که شالمه هندی دور سرش بسته بود. (هدایت)

۴. یک شیر هم بود که مثل همه شیرها پادشاه آنها بود. (آذر یزدی)

۵. سلطان زیارتگاهی است در دامنه کوه که پایین‌اش قبرستون است. (مرادی کرمانی)
۶. اطاق شلوغ و گرم و پر از بوی اسفند و گل‌های میخک و گلابول بود که در گلدان‌های بزرگ
نقره در گوشه و کنارها از میان دامن‌های خانم‌ها پیدا بود. (دانشور)

مثال‌های بالا نشان می‌دهد که همانندی فعل بند موصولی با فعل اصلی جمله، باعث حرکت بند موصولی می‌شود.

(ب) از دیگر دلایلی که منجر به پسایند شدن بند موصولی می‌شود می‌توان به سنگینی بند موصولی اشاره کرد. به اعتقاد ماهوتیان (1997: 128) گروه‌های سنگین را می‌توان به اختیار به پایان جمله پسایند کرد. نمونه‌های زیر مواردی از این حرکت را در داده‌های پژوهش نشان می‌دهد:

۷. جمله آخر را مریم خانم گفت که تازه چادر خواهرش را گرفته بود از آن طرف می‌گذشت.
(آل احمد)
۸. همیشه یک درخت سرو می‌کشیدم که زیرش پیرمردی قوزکرده شبیه جوکیان هندوستان عبا
به خودش پیچیده. (هدایت)
۹. و به عکس بزرگ و رنگی آلن دلون و رمی اشنایدر نگاه کردم که با پونز زده بود به دیوار.
(پیرزاد)

بند موصولی پسایندشده در بسیاری از موارد، به دلایل متعددی حرکت کرده است بدین معنی که به عنوان مثال هم بند موصولی سنگین بوده، هم در صورت عدم حرکت دو یا سه فعل کنار هم قرار می‌گرفتند و هم بند توضیحی بوده و مواردی از این نوع که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.
(ج) اما جان رابرتز تحلیل ماهوتیان درباره حرکت بندهای موصولی را نپذیرفته است. او معتقد است در پیکره مورد نظر او نمونه‌های زیادی از بندهای موصولی سنگین یافت شدند که پسایند نشدند. در پیکره پژوهش حاضر نیز موارد زیادی از بندهای موصولی یافت شد که علی‌رغم سنگینی و وزن، پسایند نشده بودند. هر چند ماهوتیان این نوع حرکت را اختیاری می‌داند اما رابرتز توضیحی و توصیفی بودن نوع بند را دلیل پسایندشدگی می‌داند؛ یعنی چنانچه بند موصولی توضیحی باشد پسایند می‌شود. نمونه‌هایی از این موارد در پیکره پژوهش پیش رو یافت شد:

۱۰. بعد مک ماهون آمد که با یوسف دوست بود. (دانشور)

۱۱. گوشه و کنار اتاق‌ها مردمی نشسته بودند که بی‌گمان زندانیان و کسانشان بودند.

(دولت‌آبادی)

۱۲. و به عکس بزرگ و رنگی آلن دلون و رمی اشنايدر نگاه کردم که با پونز زده بود به دیوار.

(پیرزاد)

۱۳. او همچنین مردی دیندار بود که مورد لطف آفریدگار مهربان قرار داشت. (تقی بیگ)

۱۴. خداوند شکوه و قدرت خاصی به او بخشید که به آن فرّه ایزدی می‌گویند. (تقی بیگ)

۱۵. یک پایش توی آشپزخانه بود که از کف حیاط پنج پله پایین می‌رفت. (آل احمد)

د) در نمونه‌های این پژوهش مواردی از بند موصولی توصیفی به چشم می‌خورد که

پسایند شده‌اند:

۱۶. و چینی مرغی‌های قدیمی را هم بیرون آورده بودند که در سراسر عمر خانواده فقط موقع

تحویل حمل و سر بساط هفت‌سین آفتابی می‌شود و یا در عروسی و خدای ناکرده عزایی.

(آل احمد)

۱۷. لباس سیاه چین خورده‌ای پوشیده بود که قالب و چسب تش بود. (هدایت)

۱۸. به دخترکی نگاه کردم که بین آرمینه و آرسینه این پا و آن پا می‌شد. (پیرزاد)

ه) از دیگر علل حرکت بند موصولی می‌توان به نوع فعل اشاره کرد. چنانچه فعل جمله

اصلی فعل «بودن» باشد بند موصولی بیشتر تمایل دارد که پسایند شود.

۱۹. بعضی‌ها هم هستند که به خاطر نان و آزادی می‌جنگند. (ابراهیمی)

۲۰. توی روستا چند نفری هستند که کت و شلوار می‌پوشند. (مرادی کرمانی)

۲۱. بله فقط یک پرتو گذرنده، یک ستاره پرنده بود که به صورت یک زن یا فرشته به من تجلی

کرد. (هدایت)

و) بیشتر بندهای موصولی که فعل جمله اصلی آنها «بودن» بوده پسایند شده‌اند، البته

مواردی را نیز می‌توان یافت که در چنین شرایطی، بند موصولی در جایگاه اصلی خود مانده

و حرکت نکرده است:

۲۲. هنر جدیدی که آنها در عوض زنده ماندنشان به پادشاه یاد دادند خواندن و نوشتن به سه

- زبان فارسی، عربی، چینی بود. (تقی‌بیگ)
۲۳. آیا این مردمی که شبیه من هستند، که ظاهراً احتیاجات و هوا و هوس مرا دارند، برای گول زدن من نیستند؟ (هدایت)
۲۴. همه اینها و کلی چیزهای دیگر که توی آشپزخانه دیگران نیست و توی آشپزخانه خودت هست برای خودت زیباست. (پیرزاد)
۲۵. لقب‌هایی که ارمنی‌های جلفای اصفهان به همدیگر می‌دادند خیلی از سر خوش جنسی نبود. (پیرزاد)
۲۶. توی اتاق پدر و مادرم که همیشه خدا درش بسته است اسباب و اثاث مادر و پدرم است. (مرادی کرمانی)
۲۷. هیچ تفاوتی میان اینها که دراز به دراز خوابیده‌اند و آنها که دراز به دراز راه می‌روند نیست. (ابراهیمی)
- ز) پسایند شدن بند موصولی گاهی به دلیل قرار نگرفتن دو فعل در کنار هم می‌باشد؛ بدین معنی که چنانچه بند موصولی پسایند نشود فعل بند موصولی و فعل جمله اصلی کنار هم قرار می‌گیرند:
۲۸. و به طرف مطبخ راه افتادند که آن طرف حیاط بود. (آل احمد)
۲۹. اما از طرفی دیو بدکار حيله‌گری بود که به شکوه و بزرگی پادشاه و اینکه همه او را دوست دارند حسودی می‌کرد. (تقی‌بیگ)
۳۰. از نان به خانم حکیم نگاه کرد که با سر جنت زینگر کنارش ایستادند. (دانشور)
۳۱. و از گوشه چشم سرنگهبان را پایید که پاسبانی را پیش خواند. (دولت‌آبادی)
- ح) دلیل دیگری که برای پسایند شدن بندهای موصولی وجود دارد ساخت اطلاع و برجستگی تأکیدی است. بند موصولی که توصیف‌کننده گروه اسمی در نقش فاعلی، مفعولی، متممی است چنانچه پسایند شود، آن گروه اسمی را برجسته می‌کند و تأکید را بر روی آن گروه اسمی نشان می‌دهد. در نمونه‌های زیر، بافت کلامی آورده شده تا برجستگی و تأکید بر روی آن گروه اسمی نشان داده شود:
- در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد و می‌تراشد.

این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد چون عموماً عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزو اتفاقات و پیشامدهای نادر و عجیب بشمارند. (هدایت)

در جمله اول متن بالا که در واقع جمله شروع‌کننده داستان است بند موصولی پسایندشده به چشم می‌خورد:

۳۲. در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد. (هدایت)

نویسنده با پسایند ساختن بند موصولی، تأکید و برجستگی را بر روی گروه اسمی زخم‌ها نشان داده است. در متن زیر نیز نمونه‌ای از پسایندشدگی بند موصولی دیده می‌شود که این بند برای برجسته کردن گروه اسمی مورد وصف خود حرکت کرده است:

— در این دنیای پست پر از فقر و مسکنت، برای نخستین بار گمان کردم که در زندگی من یک شعاع آفتاب درخشید اما افسوس این شعاع آفتاب نبود بلکه فقط یک پرتو گذرنده، یک ستاره پرنده بود که به صورت یک زن یا فرشته به من تجلی کرد و در روشنائی آن یک لحظه، فقط یک ثانیه همه بدبختی‌های زندگی خودم را دیدم و به عظمت و شکوه آن پی بردم و بعد این پرتو در گرداب تاریکی که باید ناپدید بشود دوباره ناپدید شد، نه، نتوانستم این پرتو گذرنده را برای خودم نگه دارم. سه ماه نه، دو ماه و چهار روز بود که پی او را گم کرده بودم ولی یادگار چشم‌های جادویی یا شراره کشنده چشم‌هایش در زندگی من همیشه ماند.

۳۳. سه ماه نه، دو ماه و چهار روز بود که پی او را گم کرده بودم. (هدایت)

با پسایند شدن بند موصولی، بر روی زمان مد نظر نویسنده تأکید بیشتری نشان داده شده است. در متن زیر نیز نمونه‌ای از این شیوه پسایند کردن بند موصولی دیده می‌شود که برای تأکید بیشتر بر روی سازه‌ای که اطلاع‌نویس جمله است این حرکت رخ داده است:

— روزی بود و روزگاری بود. یک جنگل بود مثل همه جنگل‌ها با درخت‌ها و حیواناتش. یک شیر هم بود که مثل همه شیرها پادشاه آنها بود اما این شیر را شیر پرهیزگار می‌نامیدند. دلیلش هم آن بود که هیچ حیوان بیگناهی را شکار نمی‌کرد و نمی‌گذاشت حیوانات درنده دیگر هم به کسی آزاری برسانند و همه گیاه و میوه می‌خوردند و همه با هم به خوشی زندگی

می‌کردند. یک روز شیر پرهیزگار با گروهی از درندگان برای گردش و تماشای به صحرا رفته بودند و ناگهان یک شتر را دیدند که سرگردان و تنها در بیابان می‌رود. گرگ و پلنگ و خرس و درندگان دیگر که همراه شیر بودند و مدتی بود گوشت نخورده بودند گفتند این شتر از جنس ما نیست و گوشتش بر ما حلال است.

در جمله

۳۴. و ناگهان یک شتر را دیدند که سرگردان و تنها در بیابان می‌رود. (آذر یزدی)

«شتر» که در جمله بالا اطلاع‌نواست و تازه به بافت زبانی معرفی شده برای برجسته شدن، بند موصولی آن پسایند شده است.

— آن روز، روز عقدکنان دختر حاکم بود. نانوایان با هم شور کرده بودند و [Ø] نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ کس ندیده بود. مهمان‌ها دسته دسته به اتاق عقدکنان می‌آمدند و [Ø] نان را تماشا می‌کردند.

در جمله

۳۵. نان سنگکی پخته بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچ کس ندیده بود. (دانشور)

«نان سنگک» اطلاع‌انگیز است که برای نشان دادن تأکید روی آن، بند موصولی توصیف‌کننده آن پسایند شده است.

ت) در بسیاری از موارد نیز، حرکت فقط به یک دلیل صورت نگرفته و دلایل متعددی دست به دست هم می‌دهند تا بند موصولی پسایند شود. در مثال زیر، سنگینی بند موصولی، کنار هم قرار نگرفتن سه فعل و نوع فعل اصلی جمله، انگیزه‌ای برای پسایند شدن بند موصولی شده است:

۳۶. اما از طرفی دیو بدکار حيله‌گری بود که به شکوه و بزرگی پادشاه و اینکه همه او را دوست

دارند حسودی می‌کرد. (تقی بیگ)

و در مثال زیر اطلاع‌نوا و تأکید بر روی گروه اسمی است و سنگینی بند موصولی و نوع فعل اصلی جمله را می‌توان انگیزه حرکت بند موصولی دانست:

۳۷. در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد. (هدایت)

۲-۳ بندها و گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت / علت

گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت و بندهای نیت از جمله وابسته‌های فعل به شمار می‌آیند. از آنجا که فارسی زبانی فعل‌پایانی است پیش‌بینی می‌شود که بندها و گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت در جملات قبل از فعل واقع شوند. اما با بررسی پیکره این پژوهش مشخص شد که بندهای نیت بیشتر تمایل دارند پس‌اند پس‌اند شوند و در جایگاه پس از فعل واقع شوند در حالی که گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت در جایگاه قبل از فعل واقع می‌شوند. از بین بند و گروه حرف اضافه‌ای نیت، ۷۲ درصد را بند نیت تشکیل داده و ۲۸ درصد را گروه حرف اضافه‌ای نیت. ۷۵ درصد از بندهای نیت در جایگاه پس از فعل واقع شده‌اند و ۲۲ درصد آنها به جایگاه ابتدایی بند منتقل شده و پیش‌اند شده‌اند و تنها در ۳ درصد از آنها، بند نیت پس از فاعل و قبل از فعل در جمله ظاهر شده است:

۱-۲-۳ بند نیت / علت پس‌اند شده

۳۸. مردها را از خانه بیرون کرده بودند تا بتوانند چادرهاشان را از سر بردارند. (آل احمد)
۳۹. خودتون هم نشونش بکنین که موقع بردن گم و گور نشه. (آل احمد)
۴۰. دامداری را نیز به آنها آموخت تا بهتر و آسوده‌تر زندگی کنند. (تقی بیگ)
۴۱. آیا یک مشت سایه نیستند که فقط برای مسخره کردن و گول زدن من به وجود آمده‌اند؟ (هدایت)
۴۲. چرخیدم طرف یخچال شیر در بیاورم. (پیرزاد)
۴۳. و اصلاً پایی می‌شوند که سگ را بیاور تا حسابش را دستش بدهیم. (جمالزاده)
۴۴. از تو ممنونم که مرا از خطری که در راه من است با خبر کردی تا به فکر خود باشم. (آذر یزدی)
۴۵. بچه‌ها پاهای مرغ و خروس‌ها را می‌بستند که بین راه فرار نکنند. (مرادی کرمانی)
۴۶. با چه کلکی مادر زری را واداشت چرخ خیاطی بخرد. (دانشور)
۴۷. عروس روی زین اسب می‌نشیند تا همیشه بر سر شوهرش سوار باشد. (دانشور)

به نظر می‌رسد بند نیت محتوی اطلاع نو است زیرا دلیل و نیت انجام کار را به گفتمان معرفی می‌کند. از این رو در انتهای جمله واقع می‌شود.

۲-۲-۳ بند نیت / علت پیشاینده

بندهای نیت پیشاینده با پیوندهایی همچون «از آنجا که، چون که، به خاطر، با وجود اینکه، برای اینکه» شروع می‌شوند و دلیل و انگیزه انجام کاری را به تصویر می‌کشند.

۴۸. ولی چون تو در خطر هستی باید حمله را شروع کنی. (آذر یزدی)
۴۹. ولی از بس بچه‌ها شلوغ کرده بودند و خاله خانجایی‌ها صلوات فرستاده بودند دیگر حساب از دستشان در رفته بود. (آل احمد)
۵۰. از آنجا که دیوها می‌توانستند به همه جا سفر کنند، زبان مردم همه سرزمین‌ها را بلد بودند. (دانشور)

۳-۲-۳ بند نیت / علت درون جمله

۵۱. و [آنها] چون دیده بودند که اجاق برایش کوچک است، فرستاده بودند از توی زیرزمین ده پانزده تا آجر نظامی کهنه آورده بودند که خدا عالم است چند سال پیش از آجر فرش حیاط زیاد مانده بود. (آل احمد)
۵۲. و [من] از اینکه رنج می‌کشد و با زحمت و مرارت و عرق جبین و این جور چیزها خرج تحصیل مرا می‌دهد خیلی خجلم. (ابراهیمی)

۴-۲-۳ گروه حرف اضافه‌ای نیت / علت پساینده

گروه حرف اضافه‌ای نیت که ۲۸ درصد از موارد کل مفهوم نیت را تشکیل داده در ۱۶ درصد موارد پساینده شده، در ۸ درصد از نمونه‌ها پیشاینده شده و در ۷۶ درصد باقیمانده درون جمله و قبل از فعل واقع شده است.

۵۳. بچه‌های مدرسه آمده‌اند به عید دیدنی پیش عمو. (مرادی کرمانی)
۵۴. شاگردانش می‌آمدند به عید دیدنی و دست‌بوسی. (مرادی کرمانی)
۵۵. چقدر دلم می‌خواهد یک روز با عمو و ننه بابا برویم خانه عمه به مهمانی. (مرادی کرمانی)

۵-۲-۳ گروه حرف اضافه‌ای نیت / علت پیشاینده

۵۶. تا با کشته شدن شاهزاده، پادشاه همیشه در غم و اندوه باشد. (تقی بیگ)
۵۷. و از این برخورد، جرقه‌ای به وجود آمد. (تقی بیگ)
۵۸. به خواست و کمک پروردگار و نیروی شاهی، جمشید دست به کار آبادگری شد. (تقی بیگ)

۶-۲-۳ گروه حرف اضافه‌ای نیت / علت درون جمله

در این نمونه‌ها، گروه حرف اضافه‌ای نیت در مواردی پس از مفعول و در مواردی قبل از مفعول واقع شده است.

۱-۶-۲-۳ گروه حرف اضافه‌ای نیت در جایگاه پس از مفعول

در تمام داده‌های پژوهش پیش رو تنها در سه مورد زیر، گروه حرف اضافه‌ای نیت در جایگاه پس از مفعول مشاهده گردید:

۵۹. خداوند مهربان را برای نعمت‌هایی که به آنها داده است شکر کنند. (تقی بیگ)
۶۰. عمو آن اتاق را برای این گرفته بود که بتواند بدون برخورد با مریض‌های ننه بابا و مهمان‌های آغ بابا یعنی مادر بزرگ و پدر بزرگ از آنجا رفت‌وآمد کند. (مرادی کرمانی)
۶۱. بنه گاه وسیع باغ را برای رقص قالی فرش کرده بودند. (دانشور)

۲-۶-۲-۳ گروه حرف اضافه‌ای نیت / علت در جایگاه قبل از مفعول

۶۲. برای راه انداختن بساط سمنو شور و هیجانی داشتند. (آل احمد)
۶۳. همان شب هوشنگ شاه که همانند پدر بزرگش کیومرث خداوند یکتا را می‌پرستید به شکرانه اینکه آفریدگار یکتا راه آتش را به او نشان داده است جشن باشکوهی برپا کرد. (تقی بیگ)
۶۴. من به فکر رسیدن برای پذیرایی او چیزی تهیه بکنم. (هدایت)
۶۵. نباید به خاطر حرف دیگران سلیقه‌ات را عوض کنی. (پیرزاد)
۶۶. [آنها] به فرمان شیر او را آزاد گذاشتند. (آذر یزدی)
۶۷. مریم خانم امسال به نذر پنج تن یه من گندم بیشتر از سال‌های پیش سبز کرده است. (آل احمد)

از ۳۸ مورد گروه حرف اضافه نیت، ۳ مورد آن در جایگاه پس از مفعول واقع شده‌اند و ۶ مورد دیگر در جایگاه قبل از مفعول. دیگر موارد شامل جملاتی می‌شود که فعل آنها لازم بوده و نه متعدی. بنابراین به نظر می‌رسد طبق بسامد موجود در داده‌ها گروه حرف اضافه نیت/ علت بعد از فاعل و قبل از مفعول در جمله ظاهر می‌شود. در ادامه مواردی از کاربرد این گروه با فعل لازم آمده است:

۶۸. باید برای از بین بردن آن عیب جنگید. (ابراهیمی)
 ۶۹. بعضی‌ها به خاطر نان می‌جنگند. (ابراهیمی)
 ۷۰. همه از این ناآرامی‌ها خسته شده بودند. (تقی بیگ)
 ۷۱. یک روز شیر با گروهی از درندگان برای گردش و تماشا به صحرا رفته بودند. (آذر یزدی)
 ۷۲. در دل برای بدنام کردن شتر نقشه می‌کشید. (آذر یزدی)

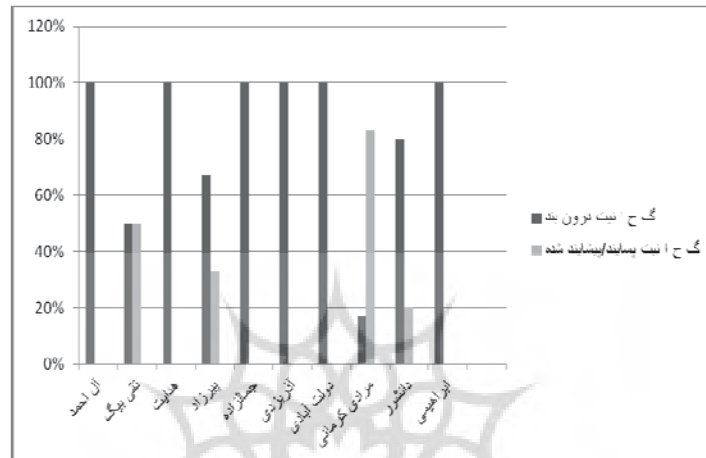
این داده‌ها نشان می‌دهند که بندهای نیت/ علت تمایل دارند پسایند شوند در حالی که گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت/ علت درون جمله و در جایگاه قبل از مفعول در بند ظاهر می‌شوند. نمودار زیر میزان بندهای نیت پسایندشده و پیشایندشده را به تفکیک در هر داستان نشان می‌دهد.



نمودار ۲: بسامد وقوع بند نیت پسایندشده / پیشایندشده در هر داستان

نمودار ۳ میزان گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت درون بند و پس‌آیند شده و پیش‌آیند شده را به

تفکیک در هر داستان نشان می‌دهد:



نمودار ۳: بسامد وقوع گروه حرف اضافه نیت درون بند و خارج از بند در هر داستان

۳-۳ گروه حرف اضافه‌ای وسیله

ماهوتیان جایگاه بی‌نشان گروه حرف اضافه‌ای وسیله را بعد از مفعول صریح و افزوده مکانی می‌داند. این درحالی است که رابرتز معتقد است تعداد گروه‌های حرف اضافه‌ای وسیله در پیکره زبانی پژوهش او قابل توجه بودند اما فقط یک مثال با ترتیب پیش‌فرض ماهوتیان منطبق بوده است. در داده‌های این پژوهش، ۶۲ بند محتوی گروه حرف اضافه‌ای وسیله مشاهده گردید. از این میزان در ۲۲ نمونه گروه حرف اضافه‌ای وسیله قبل از مفعول واقع شده و در ۱۲ مورد، این گروه پس از مفعول قرار گرفته است. ۱۶ مورد از بندها را فعل لازم شکل داده و در ۱۰ مورد از آنها مفعول به قرینه معنوی حذف شده است و تنها در یک مورد این گروه حرف اضافه پس‌آیند شده و در یک نمونه دیگر نیز این گروه پیش‌آیند شده است. بنابراین اگر بخواهیم بندهای محتوی فعل متعدی و مفعول را در نظر بگیریم حدود ۳۶ بند خواهیم داشت. از این میزان در ۶۱ درصد از آنها گروه حرف اضافه‌ای وسیله قبل از

مفعول واقع شده و در ۳۴ درصد این گروه، پس از مفعول آمده است. و ۵ درصد موارد را گروه حرف اضافه‌ای وسیله پیشاینده یا پساینده شکل داده است. در زیر نمونه‌هایی از موارد ذکر شده می‌آید.

گروه حرف اضافه‌ای وسیله + مفعول نکره

رابرتر معتقد است گروه حرف اضافه‌ای وسیله قبل از مفعول صریح معرفه به کار می‌رود درحالی‌که در داده‌های این پژوهش، این گروه قبل از مفعول نکره نیز وجود دارد:

۷۳. و حتی با نوک کارد یا چیزی خطی یا دایره‌ای کشیده بودند. (آل احمد)
۷۴. و با این سرگرمی مضحک وقت را می‌گذرانیدم. (هدایت)
۷۵. مثل اینکه با چشم‌هایش مناظر ترسناک و ماورای طبیعی دیده بود. (هدایت)
۷۶. و با یک دستمال سفید عرق‌های دور گردن فربه‌اش را پاک می‌کرد. (دولت‌آبادی)
۷۷. و پاسبانی خسته از کار بیکاری خود با پوزۀ پوتیش بیچۀ نوپایی را بازی می‌داد. (دولت‌آبادی)

مفعول صریح رایی + گروه حرف اضافه‌ای وسیله

۷۸. حتی مالک چرخ سینگر می‌تواند نان خودش را از همین چرخ خیاطی دریاورد. (دانشور)
۷۹. و شلوار را با کمر بند می‌بندند. (مرادی کرمانی)
۸۰. می‌ترسیدم چشمم رو با نوکشان دریاورند. (مرادی کرمانی)
۸۱. عبدوس و دلاور و رجب کشمیر، مباشر زمین‌های دهنه شور ملک را با چوب خوابانده بودند. (دولت‌آبادی)
۸۲. کیف‌ها را با لگد پس زدم. (پیرزاد)
۸۳. سوراخ و سمبه و چاله و دست‌اندازهای آن را با گرد و کرم، کاهگل مالی کرده. (جمالزاده)

در داده‌های این پژوهش، در همه مواردی که گروه حرف اضافه‌ای وسیله پس از مفعول قرار گرفته، مفعول صریح و معرفه است. بنابراین یافته‌های این پژوهش نیز هم‌راستا با تحلیل ماهوتیان از جایگاه بی‌نشان گروه‌های حرف اضافه‌ای می‌باشد. اما چنانچه مفعول نکره و

نامشخص باشد، گروه حرف اضافه‌ای وسیله می‌تواند پس از آن نیز واقع شود.

گروه حرف اضافه‌ای وسیلهٔ پسایندشده

در تمام پیکرهٔ پژوهش حاضر، تنها در یک مورد مشاهده شد که گروه حرف اضافه‌ای وسیله پسایند شده است:

۸۴. همیشه سعی می‌کرد به روی زنش بخندد با لب‌هایی که انگار هم سجاف داشت هم
دالبر. (دانشور)

گروه حرف اضافه‌ای وسیلهٔ پیشایندشده

گروه حرف اضافه‌ای وسیلهٔ پیشایندشده نیز، تنها در یک نمونه مشاهده شد:

۸۵. به نیروی فرّه ایزدی، شاه تهمورث توانست اهریمن بد سرشت را اسیر کند. (تقی‌بیگ)

گروه حرف اضافه‌ای وسیله با افعال لازم

جایگاه این گروه حرف اضافه‌ای، زمانی که فعل جمله لازم است، پس از فاعل و افزوده زمانی است:

۸۶. من بالاخره با اتوبوس کوی دانشگاه نیامدم. (ابراهیمی)

۸۷. دود سیاهی با یک منقل آتش که دود اسفند از آن بلند بود عین جن بوداده به اتاق آمد.
دانشور)

۸۸. به این ترتیب اهریمن که همیشه دشمن انسانها بود با اجرای این نقشه به منظور خود
می‌رسید. (تقی‌بیگ)

در جملهٔ ۸۸ گروه حرف اضافه‌ای وسیله قبل از گروه حرف اضافه‌ای مقصد قرار گرفته است. این تنها بند موجود در داده‌هاست که یک جمله هم محتوی گروه حرف اضافه‌ای وسیله و هم محتوی گروه حرف اضافه‌ای مقصد می‌باشد. اما در تحلیل ماهوتیان گروه حرف اضافه‌ای مقصد قبل از گروه حرف اضافه‌ای وسیله واقع می‌شود.

گروه حرف اضافه‌ای وسیله در جملات مجهول

۸۹. ولی به نظرم این گره فقط به دست خودت گشوده خواهد شد. (جمالزاده)
۹۰. خط روی نان با خشخاش پر شده بود. (دانشور)
۹۱. درخت‌های بزرگ با گلوب‌های بزرگ [چراغان شده بودند]. (دانشور)

در همه مثال‌های بالا نیز گروه حرف اضافه‌ای وسیله پس از فاعل واقع شده است.

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی داده‌ها مشخص می‌شود که بند موصولی می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله: الف) همانندی فعل بند موصولی با فعل بند اصلی، ب) سنگینی بند موصولی، ج) توضیحی بودن بند موصولی، د) توصیفی بودن بند موصولی، ه) نوع فعل اصلی، و) قرار نگرفتن دو فعل در کنار هم، و ز) برجستگی تأکیدی پس‌آیند شود. همچنین تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بندهای نیت به پس‌آیندشدگی تمایل دارند در حالی که گروه‌های حرف اضافه‌ای نیت تمایل دارند در جایگاه قبل از فعل واقع شوند. در مورد گروه حرف اضافه‌ای وسیله، باید اشاره کرد که این گروه می‌تواند پس از مفعول صریح رایی واقع شود و چنانچه مفعول نکره باشد قبل از آن قرار می‌گیرد. در صورتی که جمله مجهول باشد، این گروه پس از فاعل واقع می‌شود.

منابع

آذر یزدی، مهدی (۱۳۸۷)، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (شیر پرهیزگار، ص ۵۶-۶۸)، امیرکبیر، تهران؛

آل احمد، جلال (۱۳۸۹)، زن زیادی (سمنوپزان، ص ۲۱-۳۷)، صدای معاصر، تهران؛

ابراهیمی، نادر (۱۳۸۸)، هزار پای سیاه و قصه‌های صحرا (باد باد مهرگان، ص ۹-۵۳)، روزبهان، تهران؛

پیرزاد، زویا (۱۳۸۰)، چراغ‌هارا من خاموش می‌کنم، مرکز، تهران؛

تقی‌بیگ، مروارید (۱۳۸۹ الف)، جشن آتش، گوهر اندیشه، تهران؛

_____ (۱۳۸۹ ب)، تهمورث دیو بند، گوهر اندیشه، تهران؛

- _____ (ج، ۱۳۸۹)، جمشید شاه، گوهر اندیشه، تهران؛
- _____ (د، ۱۳۸۹)، ضحاک ماردوش، گوهر اندیشه، تهران؛
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۸)، یکی بود یکی نبود (کتاب غاز، ص ۳۷-۴۲)، نشر الکترونیک بهمن؛
- دانشور، سیمین (۱۳۴۸)، سووشون، خوارزمی، تهران؛
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، سمت، تهران؛
- _____ (۱۳۹۰)، «معرفی و نقد کتاب مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، س ۷، ص ۲۲۳-۲۹۳؛
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۹۰)، کلیدر، فرهنگ معاصر، تهران؛
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸)، گفتارهایی در نحو، نشر مرکز، تهران؛
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
- مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۹۰)، قصه‌های مجید، معین، تهران؛
- هدایت، صادق (۱۳۸۳)، بوف کور، صادق هدایت، اصفهان؛

- Halliday, M. A. K. & C. M. I. M. MATTHIJSSEN (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, 3rd edn, Arnold, London;
- LAMBRECHT, K. (1994), *Information Structure and Sentence form*, Cambridge: Cambridge University Press;
- MAHOOTIAN, Sh. (1997), *Persian*, Routledge, London;
- ROBERTS, John R. With Behrooz BARJASTEH Delforoouz, and Carina JAHANI (2009), *A Study of Persian Discourse Structure*, Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Iranica Upsaliensia 12, Uppsala University Library;
- TALLERMAN, M. (1998), *Understanding Syntax*, Arnold, London;
- WARD, G. & BIRNER, B. J. (1996), "A Cross Linguistic Study of Postposing in Discourse", *Language and Speech*, 39: 113-142.